



ویژه‌نامه طنز راه‌راه
را در شماره امروز
بخوانید

صفحات ۵ و ۶ و ۱۲

پس از خروج رسمی آمریکا از توافق هسته‌ای
روحانی: ما شاهد یک تجربه مهم تاریخی بودیم

■ روحانی با اصرار بر ادامه برجام بدون آمریکا: چند هفته صبر می‌کنیم
صفحه ۲

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ ■ ۲۲ شعبان ۱۴۳۹ ■ ۹ مه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴۳۴ ■ ۱۶ صفحه ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۹ سال و ۱۶۳ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2434 ■ Wed.May.09, 2018 ■ ISSN:2008-2886



صفحه ۲

دونالد ترامپ خروج رسمی آمریکا از برجام را اعلام
و فرمان اجرایی بازگشت تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را امضا کرد

عاقبت هیچ

سکوتی که از ابتدا جایز نبود!

■ نویسنده مؤمن ■

اجرای آنها «همان‌طور که قبل از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ ساری و جاری بود»، از سر گرفته می‌شود. اما ماجرا تنها به این نقطه ختم نمی‌شود! مقامات دولت دموکرات اوباما با تصویب «قانونی داخلی» که در مغایرت با توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد بود، استمرار تعلیق تحریم‌ها علیه ایران را منوط به تأیید کاخ سفید و امضای رئیس‌جمهور آمریکا کردند. بر این اساس، طرح تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران هر ۱۲۰ روز نیاز به تمدید مجدد دارد و این تمدید مجدد باید با امضای رئیس‌جمهور آمریکا صورت گیرد! به عبارت بهتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با تصویب این قانون داخلی، به اصلی‌ترین بازیگر برجام تبدیل شد. زمانی که باراک اوباما در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده آمریکا قرار داشت، با استناد به همین قانون، چندین بار تعلیق تحریم‌های ایران را تمدید کرد. ترامپ از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی به واسطه تبعیه مکانیسم ماشه در برجام (و بعد بین‌المللی) و قانون داخلی آمریکا (مبنی بر لزوم تمدید تعلیق تحریم‌های ثانویه توسط رئیس‌جمهور) قدرت مانور خود را در قبال توافق هسته‌ای افزایش داد. شاید این‌گونه استدلال شود که در فضای مذاکرات هسته‌ای و با توجه به بازی مشترک واشنگتن و تروئیکای اروپایی در قبال برجام، اساساً امکان تغییر مکانیسم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت وجود نداشته است اما سؤال اصلی اینجاست: آیا ایران نمی‌توانست روی مساله «تأیید مدت‌دار و ۱۲۰ روزه برجام توسط رئیس‌جمهور آمریکا» تأکید کرده و آن را به مثابه نقض غرض اهداف مشترک بین‌المللی در برجام قلمداد کند؟ آیا حضور اوباما در کاخ سفید سبب شده بود وزارت امور خارجه کشورمان حساسیت زیادی بابت این مساله به خرج ندهد؟ واقعیت امر این است که سکوت و انفعال برابر اقدام دولت آمریکا در گره زدن برجام به تصمیم کاخ سفید، از ابتدا قابل توجیه نبود. به عبارت بهتر، یک پیش‌بینی ساده از آینده می‌توانست این احتمال را پررنگ کند که رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده آمریکا از چنین اختیاری در مسیر از بین بردن توافق هسته‌ای و عدم تمدید تعلیق تحریم‌ها علیه کشورمان استفاده کند. نکته حائز اهمیت اینکه در جریان برگزاری مذاکرات هسته‌ای نیز بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران داخلی و بین‌المللی نسبت به این مساله هشدار داده بودند.

ادامه در صفحه ۱۶

نگاه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در جریان برگزاری رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی، تهدید کرد در نخستین روز حضورش در کاخ سفید برجام را پاره خواهد کرد. همچنین بسیاری از جمهوری‌خواهان در ماه‌های قبل از تصویب توافق هسته‌ای با ایران تأکید کرده بودند رئیس‌جمهور بعدی آمریکا (پس از اوباما) می‌تواند با یک «چرخش قلم» توافق هسته‌ای را از بین ببرد. اگر چه امضای توافق هسته‌ای در تیرماه ۹۴ و متعاقباً تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، بنا بر ادعای تیم محترم مذاکره‌کننده هسته‌ای، جای شبهه‌ای را درباره برجام و ضمانت حقوقی آن باقی نگذاشته بود اما در همان زمان، بسیاری از منتقدان داخلی برجام نسبت به آثار و تبعات حضور رئیس‌جمهوری مخالف برجام در آمریکا هشدار می‌دادند. تبعیه «مکانیسم ماشه» در برجام نیز این دغدغه را به طور کامل تقویت می‌کرد که بر خلاف ادعاهای صورت گرفته درباره «استحکام حقوقی برجام»، این توافق تابعی از اخم و لبخند دولت‌های عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله ایالات متحده آمریکا خواهد بود. بر همان مسجل بود (و هم‌کنون بیش از پیش مسجل شده است) که مکانیسم ماشه صرفاً در راستای تأمین منافع ایالات متحده آمریکا در برجام و امکان بازگشت تحریم‌های ایران تبعیه شده است. نباید فراموش کرد که گنجاندن مکانیسم ماشه در برجام، توسط جان کری و باراک اوباما و تیم دموکرات‌های آمریکا صورت گرفته است؛ کسانی که امروز در تلاش برای جلوگیری از لغو برجام توسط ترامپ هستند! در تمام این مدت، دونالد ترامپ در صدد استفاده از ظرفیت‌های تبعیه شده در قطعنامه ۲۲۳۱ برای ابطال توافق هسته‌ای بود. در بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ می‌خوانیم: اگر یکی از دولت‌های طرف برجام درباره هر مساله‌ای که مصداق عدم پایبندی اساسی به برجام است، اعلامیه‌ای صادر کند، ادامه اجرای بند ۷ یعنی ادامه اجرای لغو قطعنامه‌های لغو شده، باید ظرف ۳۰ روز مجدداً در شورای امنیت به رای گذارده شود.

در بند ۱۲ قطعنامه نیز تصریح شده است که اگر ظرف ۳۰ روز از اعلام رسمی دولت مزبور درباره نقض اساسی برجام، شورای امنیت نتواند عضو، اتحادیه اروپایی زمینه عضویت ایران را در قطعنامه‌های قبلی برسد، آنگاه از روز سی‌ویکم تمام قطعنامه‌های قبلی مجدداً جاری شده و

روحانی از کدام اروپا سخن می‌گوید؟!

■ محمد سلامتی ■

این معامله همچنان ادامه دارد. عبارت «کم کردن شر ترامپ از سوی اروپا» در حالی بیان می‌شود که دیپلمات‌های اروپایی همچنان با اعضای وزارت خارجه آمریکا درباره انعقاد توافقنامه مکمل برجام (با هدف گنجاندن نگرانی‌های چهارگانه ترامپ) در آن چیزی را که مورد نظر ما در برجام است بر عهده می‌گیرد و شر ترامپ را کم می‌کند یا از برجام خارج می‌شویم. در این راستا یا آنچه در برجام می‌خواهیم، توسط غیرآمریکائیان می‌شود یا اگر ببینیم آنچه مورد نظر ما در برجام است، تأمین نشده، راه و برنامه خود را خواهیم داشت. این اظهارات درست در حالی مطرح می‌شود که «بوریس جانسون» وزیر خارجه انگلیس در سفر به ایالات متحده آمریکا، خواستار اعمال فشار بر ایران جهت تغییر توافق هسته‌ای شد و «انگلا مرکل» صدراعظم آلمان نیز دفاع خود از برجام را مشروط و منوط به گسترش دامنه این توافق (بخوانید اعمال محدودیت‌های بیشتر علیه ایران!) دانست. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز همچنان در حال رازینی بر سر ایده مضحک خود درباره انعقاد توافق ثانویه و مکمل با ایران بر سر موضوعاتی مانند تحدید توان موشکی، اعمال بازرسی از اماکن نظامی، حذف بندهای موسوم به غروب آفتاب و تجدیدنظر در سیاست‌های منطقه‌ای کشورمان است. براسنی در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشت «اروپا» نقش منجی برجام را ایفا کند؟ در این باره نکات دیگری نیز وجود دارد که لازم است مدنظر قرار گیرد.

نخست اینکه از سال ۲۰۱۵ میلادی تاکنون، کشورهای اروپایی بارها در قبال نقض تعهدات ایالات متحده آمریکا در برجام سکوت کرده و حتی در جلسات کمیته مشترک برجام مانع محکومیت ایالات متحده شده‌اند. رویکرد حمایت‌گرایانه کشورهای اروپایی در قبال آمریکا هم در دوران ریاست‌جمهوری اوباما و هم در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت. تروئیکای اروپایی در عمل نشان داده اتحاد درون آتلانتیکی با ایالات متحده آمریکا را نسبت به هر گزینه و مولفه دیگری (از جمله تأمین حقوق برجامی ایران!) ترجیح می‌دهد. از سوی دیگر، تروئیکای اروپایی و متعاقباً بسیاری از اعضای اتحادیه اروپایی در مقابل ایده «تغییر توافق هسته‌ای» از سوی ترامپ کمترین مقاومتی نشان نداده و بر سر این موضوع با رئیس‌جمهور ایالات متحده وارد معامله شدند؛

ادامه در صفحه ۱۶

رمزگشایی از اظهارات جانسون علیه ایران

■ علی افرا ■

اما سؤال اصلی اینجاست: آیا ظهور و بروز بازی سلبی انگلیس در قبال برجام مربوط به هفته‌ها و روزهای اخیر می‌شود؟ آیا اتخاذ این رویکرد از سوی مقامات انگلیسی، از سوی دستگاه دیپلماتی و سیاست خارجی کشورمان قابل پیش‌بینی نبود؟ پاسخ این سؤال کاملاً مشخص است! واقعیت امر این است که مقامات انگلیسی از ابتدای حضور ترامپ در کاخ سفید، با وی در تقابل با توافق هسته‌ای همپیمان شده‌اند. این همپیمانی از اظهارات «ترزا می» نخست‌وزیر انگلیس در جریان نخستین سفرش به واشنگتن کاملاً نمود داشت. در آن سفر (که ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی و چند روز پس از حضور ترامپ در کاخ سفید انجام شد) ترزا می از برجام به عنوان توافقی «بحث‌برانگیز» یاد کرد. پس از بازگشت می از سفر به آمریکا نیز توطئه‌های لندن علیه برجام ادامه پیدا کرد. فروردین‌ماه ۹۶، وزارت خارجه انگلیس در بیانیه‌ای که ناقض بندهای ۲۶ و ۲۹ برجام بود، از ایران به قسراً می‌دهد. این قاعده دربار برجام نیز صادق است. اظهارات و قیجانه اخیر «بوریس جانسون» وزیر خارجه محافظه‌کار انگلیس در جریان سفر به ایالات متحده آمریکا، بار دیگر بازی مستقیم لندن در زمین واشنگتن را در مقابل دید همگان به تصویر کشید. جانسون ابتدا در یادداشتی در روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت: «من معتقدم حفظ محدودیت‌های موجود در این توافق علیه برنامه هسته‌ای ایران به مقابله با رفتارهای تهاجمی تهران در منطقه هم کمک خواهد کرد. من از یک چیز اطمینان دارم: تمام گزینه‌های جایگزین، بدتر هستند. علاقه‌ترین مسیر، ارتقای دستبدهاست نه باز کردن آنها».

در ادامه نیز وزیر خارجه انگلیس پرده از چهره ظاهری دیپلمات‌آبانه خود برداشت و به جای تأکید بر «بهار زیاده‌خواهی‌های هسته‌ای ترامپ» تأکید کرد: «ما باید در برابر ایران محکم‌تر بوده و نواقض توافق را برطرف کنیم. این توافقی می‌تواند مانع مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در منطقه شود. ترامپ حق دارد خواستار توجه به موضوع محدودیت‌های زمانی اعمال شده علیه برنامه هسته‌ای ایران (بندهای موسوم به غروب آفتاب) شود».

چینش جملات بوریس جانسون در کنار یکدیگر، نشان می‌دهد بر خلاف آنچه در افکار عمومی دنیا القا شده است، رمزگشایی از رفتار مقامات انگلیسی چندان پیچیده نیست! مقامات انگلیسی ترجیح داده‌اند در این برهه زمانی به کمک کاخ سفید شتافته و شریک سنتی خود را در مصاف با افکار عمومی دنیا تنها نگذارند.

ادامه در صفحه ۱۶